



پاک نیت: به نظر من «روزی روزگاری» چون همه چیزش فکر شده و حساب شده بود و همه چیز سر جای خودش چیده شده بود کار موفق شد و هنوز هم وقتی پخش می شود تماشاگر از آن لذت می برد

# راز ماندگاری «روزی روزگاری»

سراسر خیالی است و نظم نهایی و آراستگی و پرداختش کاملاً خیالی است. منتها برگرفته از دانسته‌هایی است که شخصاً تجربه کردم. مخصوصاً زندگی ایلانی‌ها و کارهای کشاورزی که می‌کردند. پدر بزرگ من رنگرز بود و از کودکی در خانه پدر بزرگم وسط کومه‌های قالی بافی بازی می‌کردم و اقتصاد خانه‌مان هم مثل سایر خانه‌های دیگر دهات مان مبتنی بر قالی بافی بود. «روزی روزگاری» همچنین میزبان یک گروه از بازیگران مطرح و توانمند بود که در این مجموعه، یکی از بهترین تجربیاتشان را انجام دادند. بازیگرانی چون خسرو شکیبایی، محمود پاک نیت، ژاله علو، جمشید لایق، محمد فیلی، مرحوم حسین پناهی و ...

مجموعه تلویزیونی «روزی روزگاری» یکی از آثار ماندگار صداوسیماست که هنوز هم تماشای آن، توأم با ارزش و لذت است. این سریال سال ۱۳۷۰ ساخته شد و ماجرای راهزن معروفی به نام مراد بیگ با بازی زنده یاد خسرو شکیبایی را روایت می‌کرد که با بروز اتفاقی مسیر زندگی او کاملاً دگرگون می‌شود. این روزها، شبکه آی فیلم در حال بازپخش روزی روزگاری است. امرا... احمدجو، نویسنده و کارگردان روزی روزگاری در گفت‌وگویی درباره این کار گفته است: «داستان مجموعه روزی روزگاری را خودم نوشتم. می‌توان گفت

مهدی امیدی  
روزنامه نگار



## راز ماندگاری

محمود پاک نیت، از بازیگران اصلی سریال روزی روزگاری درباره راز ماندگاری این مجموعه تلویزیونی می‌گوید: در رابطه با سریال روزی روزگاری و ماندگاری آن نکته‌ای را همه جا گفته‌ام و آن هم این است که به نظر من عواملی که کار می‌کردند، از نویسنده و کارگردان که امرا... احمدجو بود تا فرهاد فخرالدینی که موسیقی این کار را ساخت، تهیه‌کننده این اثر و همه

در حال حاضر متأسفانه کمبود وقت برای نوشتن و فکر کردن کارگردان، کمبود وقت برای انتخاب عوامل و مواردی از این دست همه باعث می‌شوند تا کارهایی را شاهد باشیم که احساس کنیم با دیدن آنها زمان زندگی مان را از دست داده‌ایم. به نظر من روزی روزگاری چون همه چیزش فکر شده و حساب شده بود و همه چیز سر جای خودش چیده شده بود، کار موفق شد و هنوز هم وقتی پخش می‌شود تماشاگر از آن لذت می‌برد.

عواملی که در آن بازی می‌کردند به این متن عشق می‌ورزیدند. یعنی متنی بود که برای همه ما جذابیت خاصی داشت و هر لحظه‌ای از آن را که بازی می‌کردیم خودمان هم لذت می‌بردیم.

زمانی می‌شود این لذت را با تماشاگران تقسیم کرد که در وهله اول خود دست‌اندرکاران لذت ببرند، در غیر این صورت اگر سراسری کار می‌شد و به عنوان یک کاری که وظیفه است و باید به پایان و پخش برسد به آن نگاه می‌شد هیچ وقت این بازدهی را نمی‌داشت. چنان‌که

## هویت و اصالت ایرانی

و جوجه‌های فرح پهلوی در فضای روشنفکری می‌پسندند. آنها روایت لس‌آنجلسی «ایرونی» را می‌پسندند ... اما نکته روزی روزگاری این است که می‌آید اصالت و هویت واقعی ایرانی را نشان می‌دهد و به همین خاطر هر گوشه از داستان، نشانه‌ها و وسیله‌های استفاده شده در آن، مابه‌ازای واقعی دارد. یعنی از گویش‌های مختلف ایرانی، جغرافیاها، پوشش‌ها، آداب و رسوم، ابزارها و حتی موسیقی داخل آن واقعی است. این کار به هیچ جای ایران تعلق ندارد اما کاملاً ایرانی است. کارگردانی را نمی‌شناسم که به این جامعیت به ایران، ادای تعهد کرده باشد. آن هم آن فرهنگ واقعی ایرانی که واقعیت ایران ما بوده و هست اما این کار، جرم کمی نبود به همین خاطر کار آقای احمدجو بایکوت شد.

وی خاطرنشان کرد: روزی روزگاری بخشی از هویت و اصالت حاکم بر ایران را از دستبرد نابودی و فراموشی حفظ کرده است. حتی اگر بخواهیم از لحاظ جامعه‌شناسی سینما به این کار نگاه کنیم، اگر مخاطبان مثلاً در ۱۰۰ یا ۲۰۰ سال بعد، این کار را ببینند می‌توانند یک تصویر واقعی از هویت و اصالت فرهنگ ایرانی که واقعاً وجود داشته است را ببینند.

محمدصادق کوشکی، منتقد و مدرس دانشگاه هم در نشست درباره این سریال گفت: به رغم این‌که مردم، روزی روزگاری را پسندیدند، این کار بایکوت شد. البته نه فقط سریال روزی روزگاری، بلکه «تفنگ سرپر» امرا... احمدجو هم بایکوت شد. مقدمه این دو سریال که اثر سینمایی «شاخه‌های بید» بود نیز نادیده گرفته شد. این بایکوت برای شخص امرا... احمدجو به عنوان نویسنده و کارگردان و تفکر او بود. جرایم او از نظر روشنفکران چه بود؟ نخستین مورد این بود که روزی روزگاری متعهد بود و بی‌سرانجام نیست. درواقع نویسنده و کارگردان این کارها یعنی سریال روزی روزگاری و کار تکامل یافته‌تر از آن، یعنی سریال تفنگ سرپر تعهد دارد. یعنی یک اعتقادی دارد که این اعتقاد برای او روشن و واضح است و از فضای روزگار، این تعهد و این اعتقاد در راستای انقلاب اسلامی و با همان شعارها، آرمان‌ها و ارزش‌هاست. ضمن این‌که قالب هنری دارد و قصه‌گو است. صاحب سبک است و تقلید به‌ویژه تقلید از هالیوود نیست، بلکه سعی می‌کند براساس هنر ایرانی، سینما را به شعر تبدیل کند.

این کارشناس عنوان کرد: جرم دوم روزی روزگاری این بود که هویت و اصالت داشت و ایرانی بود اما نه آن ایرانی که فرح پهلوی

## روزی روزگاری که خیابان‌ها را خلوت می‌کرد!

نعمت... سعیدی، نویسنده و منتقدی است که کتاب «سکه تقدیر» را درباره روزی روزگاری نوشته است.

او درباره این‌که چرا سراغ نوشتن یک کتاب درباره این سریال رفت، توضیح می‌دهد: سعی کردم در مقدمه این کتاب کمی به این سؤال پاسخ دهم. تیترو مطلب هم این‌گونه می‌شود برای این‌که از آن ننویسم دنبال انگیزه می‌گشتم، چرا که فکر می‌کردم چه دلیلی دارد درباره یک سریال موفق و از همه مهم‌تر درست، ننویسم.

وی افزود: قوی بودن یک سریال، یک موضوع و مسأله است و این‌که میانی الفبای روایی آن و نوع جنس کار درست باشد موضوع دیگری است، زیرا اگر از کاری با این اهمیت و ارزش صحبت نشود حیف است و اگر بنا باشد در این مورد حرفی زده شود، باید به این موضوع بپردازیم که چطور است سریالی به نام روزی روزگاری ساخته می‌شود و بعد از گذشت ۲۰ سال از ساخت آن در محافل ادبی و علوم انسانی در موردش صحبتی نمی‌شود. زمانی که سریال روزی روزگاری پخش می‌شد مخاطبان به خاطر دارند که خیابان‌ها خلوت می‌شد و به دلایل مختلف، این سریال اثری ماندگار بود. جنس کار به صورتی بود که از دیالوگ‌ها گرفته تا قصه و داستان و ... موارد بسیاری داشت که ماندگار و تأثیرگذار بود.